


Research Paper




The Role of Digital Diplomacy in Advancing the Goals of the Palestinian People in the Gaza War*

 10.22034/CDRJ.2025.493493.1034**Mohammad Razmgah**

Master's Graduate in Social Communication Sciences, Faculty of Religion and Media, IRIB University, Qom, Iran.
mohammad.razmgah@iribu.ac.ir

 0009-0006-6290-4883**Kamal Akbari**

Associate Professor, Faculty of Religion and Media, IRIB University, Qom, Iran (Correspondence Author)
Kamal.akbari@iribu.ac.ir

 0000-0002-9045-9477

ABSTRACT

This study examines the role of digital diplomacy in supporting the Palestinian people during the Gaza war (Operation Al-Aqsa Storm) and identifies the innovative strategies employed by Palestinian activists to counter the soft and hard power of the Israeli regime. Focusing on the Palestinian resistance movement, the research utilizes thematic analysis and data collection through interviews with 10 experts in international relations, media activists, and staff members of the Islamic Republic of Iran Broadcasting (IRIB). The findings reveal that digital diplomacy has not only been effective in raising global awareness but has also influenced decision-making at the international policymaking level. Specifically, the innovative use of social platforms in organizing international campaigns and spreading human rights narratives has significantly contributed to the success of this diplomacy. Based on the interviews, 80% of participants believe that spreading human narratives through social platforms has been the most influential tool in garnering international support. Additionally, the development of digital infrastructure, particularly in occupied areas, has been identified as one of the most significant challenges. Over 75% of interviewees emphasize the importance of strengthening this infrastructure for the success of digital diplomacy. The results indicate that digital diplomacy can have a significant impact on supporting the Palestinian people through the development of digital infrastructure, strengthening digital resistance networks, enhancing media and digital literacy, and raising public awareness. These factors are considered essential components of the research, and their implementation could significantly enhance the effectiveness of digital diplomacy.



Received: 14/12/2024
Accepted: 02/06/2025

Keywords:

Digital Diplomacy,
Social Media,
Palestinian
Resistance, Gaza
Conflict, Soft Power,
International
Solidarity.



*. The contents of the Journal reflect the thoughts and views of the authors, and the Journal is not responsible for this.

نقش دیپلماسی دیجیتال در پیشبرد اهداف مردم فلسطین در جنگ غزه*



10.22034/CDRJ.2025.493493.1034

محمد رزمگاه

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم ارتباطات اجتماعی، دانشکده دین و رسانه، دانشگاه صداوسیما، قم، ایران

mohammad.razmgah@iribu.ac.ir

id 0009-0006-6290-4883

کمال اکبری

دانشیار، دانشکده دین و رسانه، دانشگاه صداوسیما، قم، ایران (نویسنده مسئول)

Kamal.akbari@iribu.ac.ir

id 0000-0002-9045-9477



چکیده

این پژوهش به بررسی نقش دیپلماسی دیجیتال در حمایت از مردم فلسطین در جریان جنگ غزه (طوفان الاقصی) می‌پردازد و به شناسایی استراتژی‌های نوین فعالان فلسطینی برای مقابله با قدرت نرم و سخت رژیم صهیونیستی می‌پردازد. با تمرکز بر جنبش مقاومت فلسطین، این پژوهش با استفاده از روش تحلیل مضمون و جمع‌آوری داده‌ها از طریق مصاحبه با ده تن از کارشناسان روابط بین‌الملل، فعالان رسانه‌ای و کارکنان سازمان صداوسیما انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد دیپلماسی دیجیتال نه تنها در افزایش آگاهی جهانی مؤثر بوده، بلکه بر تصمیم‌گیری سیاست‌گذاران در سطح بین‌المللی نیز تأثیرگذار است. به‌ویژه استفاده نوآورانه از پلتفرم‌های اجتماعی در سازمان‌دهی کمپین‌های بین‌المللی و انتشار روایت‌های انسانی، به موفقیت این دیپلماسی کمک شایانی کرده است. بر اساس مصاحبه‌ها، ۸۰ درصد از شرکت‌کنندگان معتقدند انتشار روایت‌های انسانی از طریق پلتفرم‌های اجتماعی، تأثیرگذارترین ابزار در جلب حمایت‌های بین‌المللی بوده است. همچنین توسعه زیرساخت‌های دیجیتال به‌ویژه در مناطق تحت اشغال یکی از مهم‌ترین چالش‌ها شناسایی شده است. بیش از ۷۵ درصد مصاحبه‌شوندگان بر اهمیت تقویت این زیرساخت‌ها در موفقیت دیپلماسی دیجیتال تأکید کرده‌اند. نتایج نشان می‌دهد دیپلماسی دیجیتال می‌تواند از طریق توسعه زیرساخت‌های دیجیتال، تقویت شبکه‌های مقاومت دیجیتال، ارتقای سواد رسانه‌ای و دیجیتال و افزایش آگاهی عمومی تأثیرات قابل توجهی در حمایت از مردم فلسطین داشته باشد.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۲



واژگان کلیدی:

دیپلماسی دیجیتال، رسانه‌های اجتماعی، همبستگی بین‌المللی، مقاومت فلسطین، قدرت نرم.

* مطالب مندرج در فصلنامه مبین اندیشه‌ها و دیدگاه‌های نویسندگان است و از این بابت مسئولیتی متوجه فصلنامه نیست.

مقدمه

دیپلماسی دیجیتال در سال‌های اخیر ابزاری مؤثر و حیاتی در روابط بین‌المللی شناخته شده است. این ابزار به‌ویژه در مناطقی که کانال‌های دیپلماتیک سنتی به دلایلی محدود یا بی‌اثر هستند، اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده است (Aouragh, 2011). در زمینه جنگ غزه، پلتفرم‌های دیجیتال به‌طور خاص به مردم فلسطین این امکان را داده‌اند تا روایت خود را به جهان منتقل کنند، حمایت‌های بین‌المللی را جلب کنند و روایت‌های غالب رسانه‌ای را به چالش بکشند. با توجه به اهمیت فزاینده دیپلماسی دیجیتال، پرسش اصلی تحقیق این است که چگونه دیپلماسی دیجیتال در جنگ غزه به مردم فلسطین کمک کرده است تا اهداف خود را پیش ببرند و روایت‌های غالب رسانه‌ای را به چالش کشند؟ در این راستا، هدف اصلی پژوهش بررسی نقش دیپلماسی دیجیتال در تقویت صدای مردم فلسطین در عرصه جهانی، با تأکید بر نقش این ابزارها در جریان «طوفان الاقصی» و تحلیل تأثیر آن در بازسازی روایت‌ها و جلب حمایت‌های بین‌المللی است.

در دنیای ارتباطات جهانی امروز، پلتفرم‌های دیجیتال فرصت‌های بی‌نظیری را برای گروه‌های حاشیه‌ای فراهم می‌کنند تا مستقیم با افکار عمومی جهانی ارتباط برقرار کنند و تأثیرگذار باشند. مردم فلسطین با استفاده از این ابزارها در جنگ غزه توانسته‌اند از طریق شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های آنلاین صدای خود را به گوش جهانیان برسانند و از آن برای تقویت اهداف سیاسی و اجتماعی خود بهره‌برداری کنند. تحقیق حاضر با توجه به شکاف‌های موجود در ادبیات علمی در این زمینه، به‌ویژه در حوزه تاکتیک‌های ارتباطی دیجیتال توسط بازیگران غیردولتی، به تحلیل نقشی می‌پردازد که دیپلماسی دیجیتال در پیشبرد اهداف مردم فلسطین ایفا کرده است. درحالی‌که بیشتر مطالعات موجود بر استراتژی‌های دیپلماسی دیجیتال در سطح دولتی متمرکز شده‌اند، این پژوهش توجه خاصی به نقش رسانه‌های دیجیتال در درگیری‌های طولانی مدت و تأثیر آن بر سیاست‌های عمومی و حمایت جهانی دارد. نوآوری این پژوهش در رویکرد جامع آن به دیپلماسی دیجیتال نهفته است. با ترکیب

نظریه‌های ارتباطات، علوم سیاسی و مطالعات رسانه‌های دیجیتال، این پژوهش به دنبال ارائه چهارچوب جامعی برای درک نحوه استفاده از پلتفرم‌های دیجیتال به عنوان ابزارهای استراتژیک در ارتباطات سیاسی و وکالت بین‌المللی است. به‌طور خاص، این پژوهش با تمرکز بر جنبش مقاومت فلسطین «طوفان الاقصی»، به بررسی چگونگی استفاده از دیپلماسی دیجیتال برای مقابله با قدرت نرم و سخت رژیم صهیونیستی می‌پردازد. با استفاده از تحلیل گفتمان و شبکه‌های اجتماعی، این پژوهش به شناسایی استراتژی‌های جدیدی پرداخته است که توسط فعالان فلسطینی برای ایجاد همبستگی جهانی و تحت فشار قرار دادن دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی به کار گرفته می‌شود. این رویکرد بین‌رشته‌ای و تمرکز بر یک مورد مطالعاتی خاص، به این پژوهش امکان می‌دهد تا به درک عمیق‌تری از پتانسیل‌های دیپلماسی دیجیتال در ایجاد تغییرات اجتماعی و سیاسی در مناطق درگیری دست یابد. این تحقیق به بررسی چگونگی استفاده گروه‌های حاشیه‌ای، به‌ویژه فلسطینی‌ها، از پلتفرم‌های دیجیتال برای تقویت صدای خود، مقابله با سانسور و برقراری ارتباط با جهان خارج می‌پردازد. با بررسی داده‌های تجربی و تحلیل‌های دقیق، هدف این پژوهش روشن ساختن ابعاد مختلف دیپلماسی دیجیتال در شرایط بحرانی و درگیری‌های طولانی‌مدت است. مقاله حاضر از پنج بخش اصلی تشکیل شده است. پس از این مقدمه، بخش دوم به مبانی نظری دیپلماسی دیجیتال اختصاص دارد، بخش سوم به رویکرد روش‌شناختی می‌پردازد، بخش چهارم تحلیل داده‌های تجربی و یافته‌ها را ارائه می‌دهد و بخش پایانی نتیجه‌گیری‌های انتقادی و توصیه‌هایی برای تحقیقات آینده و ارتباطات دیجیتال استراتژیک را مطرح خواهد کرد.

۱. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های بسیاری به تحلیل ابعاد مختلف دیپلماسی دیجیتال، از جمله استفاده از رسانه‌های اجتماعی برای تقویت روابط بین‌المللی و قدرت نرم کشورها پرداخته‌اند. این مطالعات چالش‌ها و فرصت‌هایی را که دیپلماسی دیجیتال در تعاملات بین‌المللی و مدیریت بحران‌ها به همراه دارد بررسی کرده‌اند. در این بخش تلاش داریم به‌مرور و تحلیل مهم‌ترین پژوهش‌های

انجام شده در این حوزه بردازیم تا ابعاد مختلف این پدیده نوین عرصه روابط بین‌الملل، به‌ویژه در زمینه‌های حساس و بحرانی، بهتر شناخته شود.

تقوی رضانی و همکاران (۱۴۰۲) در مقاله «دیپلماسی دیجیتال ابزاری برای توانمندسازی دولت‌ها: تدوین راهبرد برای جمهوری اسلامی ایران»، به نقش رسانه‌های نوین در ارتقای قدرت نرم و جایگاه بین‌المللی ایران پرداخته‌اند. این تحقیق با استفاده از روش دلفی و دیمتل و با رویکرد ترکیبی، راهبردهایی برای بهبود دیپلماسی دیجیتال ایران ارائه کرده است. نتایج نشان می‌دهد رسانه‌های نوین به‌عنوان واسطه‌ای کامل می‌توانند قدرت را به دیپلماسی انتقال دهند و از طریق ارتباطات آنلاین و عملیات روانی، فرصت‌هایی را برای تقویت دیپلماسی عمومی فراهم آورند. این مطالعه همچنین شاخص‌هایی مانند تعامل با مردم و رفع ابهامات از طریق رسانه‌ها را به‌عنوان اولویت‌های دیپلماسی دیجیتال پیشنهاد می‌کند.

زمانیان و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله «مطالعه تطبیقی دیپلماسی دیجیتال امریکا، بریتانیا، چین و روسیه»، به بررسی استفاده از شبکه‌های اجتماعی در دیپلماسی این کشورها پرداخته‌اند. این مطالعه نشان می‌دهد شبکه‌های اجتماعی از مهم‌ترین ابزارهای پیوند دیپلماسی و فناوری در دنیای معاصر هستند.

امین فرد (۱۴۰۰) در مقاله «راهبردهای ارتقای دیپلماسی دیجیتال جمهوری اسلامی ایران در دوران پسابرجام»، به تحلیل راهبردهای دیپلماسی دیجیتال ایران پس از برجام پرداخته است. این تحقیق که با استفاده از روش دلفی و بهره‌گیری از نظرات نخبگان حوزه‌های ارتباطات بین‌الملل و مطالعات امنیتی انجام شده است، نشان می‌دهد راهبردهای رقابتی مناسب‌ترین راهبردها برای ارتقای دیپلماسی دیجیتال ایران در دوران پسابرجام هستند.

المصطفی (Almustafa, 2024) در مقاله «قیام دیجیتال: فعال‌سازی فلسطینی‌ها در دوران استعمار سایبری» به بررسی فعال‌سازی دیجیتال فلسطینی‌ها در دوران استعمار سایبری پرداخته است و هدف آن تحلیل نقش بسترهای دیجیتال در مقابله با اشغالگری اسرائیل و چالش‌های مرتبط با این فناوری‌هاست. روش تحقیق شامل تحلیل محتوا، مطالعات موردی و مصاحبه با

فعالان فلسطینی به منظور بررسی تأثیرات مثبت و منفی رسانه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های آنلاین در مبارزات سیاسی فلسطینی‌ها بوده است. یافته‌ها نشان می‌دهد فضاها دیجیتال به فلسطینی‌ها کمک کرده‌اند موانع فیزیکی و سیاسی را پشت سر بگذارند و در شکل‌دهی به درک جهانی از مبارزاتشان نقش داشته باشند، اما با خطرات نظارت و محدودیت‌های سایبری مواجه‌اند که همچنان چالش‌های زیادی برایشان ایجاد می‌کند.

فاسینو و همکاران (Fasinu & et.al., 2024) در مقاله «دیپلماسی دیجیتال در عصر رسانه‌های اجتماعی: چالش‌ها و فرصت‌ها برای ارتباطات بحران» به تأثیر فناوری‌های دیجیتال بر ارتباطات بحران در دیپلماسی پرداخته‌اند. این تحقیق با استفاده از روش‌شناسی ترکیبی شامل مصاحبه با دیپلمات‌ها، تحلیل محتوای رسانه‌های اجتماعی و مطالعات موردی بحران‌های بین‌المللی، فرصت‌ها و چالش‌های دیپلماسی دیجیتال را شناسایی کرده است. نتایج نشان می‌دهد دیپلماسی دیجیتال می‌تواند ارتباطات را ارتقا دهد و شفافیت و همکاری بین‌المللی را افزایش دهد، اما در عین حال چالش‌هایی مانند اطلاعات نادرست و تشدید تنش‌ها را به همراه دارد.

ایگلینگ (Eggeling, 2023) در مقاله «دیپلماسی دیجیتال» به بررسی تغییرات دیپلماسی سنتی ناشی از فناوری‌های دیجیتال پرداخته است. این تحقیق با استفاده از تحلیل محتوای اسنادی به تأثیر دیجیتال شدن دیپلماسی بر جنبه‌های مختلف آن از جمله مذاکره و گزارش‌دهی اشاره دارد. همچنین به بحث‌های انتقادی در مورد مزایا و معایب دیپلماسی دیجیتال، از جمله شفافیت و تأثیر رسانه‌های اجتماعی در بحران‌ها، پرداخته و بر ضرورت تطبیق دیپلمات‌ها با شرایط دیجیتال تأکید می‌کند.

با مرور پیشینه پژوهش‌های موجود در زمینه دیپلماسی دیجیتال می‌توان گفت بسیاری از تحقیقات به‌طور کلی به بررسی نقش دیپلماسی دیجیتال در کشورهای مختلف یا در زمینه روابط بین‌الملل پرداخته‌اند. برخی نیز به‌طور خاص به دیپلماسی دیجیتال در فلسطین اشاره داشته‌اند، اما آنچه تحقیق حاضر را متمایز می‌کند، تمرکز ویژه‌اش بر تأثیر دیپلماسی دیجیتال در

جریان طوفان الاقصی و جنگ غزه است. درحالی‌که بیشتر مطالعات پیشین به بررسی ابزارها و روش‌های کلی دیپلماسی دیجیتال و تأثیر آن بر مبارزات سیاسی فلسطینی‌ها پرداخته‌اند، تحقیق حاضر به‌طور خاص به نقش رسانه‌های دیجیتال در بازتاب و گفتمان‌سازی مقاومت فلسطینی‌ها و تقویت همبستگی جهانی در این بحران می‌پردازد. همچنین درحالی‌که دیگر پژوهش‌ها به تأثیرات عمومی رسانه‌های اجتماعی در مبارزات فلسطینی‌ها توجه کرده‌اند، تحقیق حاضر به‌طور دقیق‌تر به بررسی نقش دیپلماسی دیجیتال در هدایت افکار عمومی و مدیریت بحران در یک دوره خاص، یعنی طوفان الاقصی، پرداخته است. این رویکرد خاص و تمرکز دقیق بر بحرانی مشخص، تحقیق حاضر را از دیگر مطالعات موجود متمایز می‌کند.

۲. چهارچوب نظری

در این بخش، چهارچوب نظری تحقیق مورد بررسی قرار گرفته و نظریه‌های کلیدی برای تحلیل نقش دیپلماسی دیجیتال در جنگ غزه و تأثیر آن بر تغییر و چالش کشیدن روایت‌های غالب رسانه‌ای معرفی می‌شود. این پژوهش از دو نظریه بنیادین «جامعه شبکه‌ای» اثر مانوئل کاستلز و «سرمایه اجتماعی» از پیر بوردیو بهره می‌برد که هر دو نقش مهمی در تحلیل کاربرد فناوری‌های دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی در بستر تحولات اجتماعی و سیاسی ایفا می‌کنند.

۲-۱. نظریه جامعه شبکه‌ای

مانوئل کاستلز در نظریه جامعه شبکه‌ای، اهمیت فضای دیجیتال و نقش شبکه‌های اجتماعی در تغییر شکل ارتباطات اجتماعی را برجسته می‌کند. وی معتقد است روابط اجتماعی در عصر حاضر به‌طور فزاینده‌ای از طریق شبکه‌های رسانه‌ای سازمان‌دهی می‌شوند و این شبکه‌ها نه تنها جایگزین ارتباطات سنتی شده‌اند، بلکه بستری برای تعاملات جدید با تأکید بر سرعت، گستردگی، و فرامکانی بودن ایجاد کرده‌اند (مهدی‌زاده، ۱۳۸۹: ۳۱۸). در بحران‌هایی همچون جنگ غزه «طوفان الاقصی»، این نظریه توضیح می‌دهد که چگونه فلسطینیان توانسته‌اند با استفاده از این شبکه‌ها، روایت‌های جدیدی خلق کنند و روایت‌های غالب رسانه‌ای را که

عمدتاً توسط قدرت‌های بزرگ شکل می‌گیرند، به چالش بکشند. فضای دیجیتال امکان برقراری ارتباط با جهان را بدون محدودیت‌های زمانی و مکانی فراهم کرده و به مردم فلسطین فرصت داده تا پیام‌ها و تجربه‌های خود را در سطح جهانی به اشتراک بگذارند. این تحولات، قدرت‌های رسانه‌ای سنتی را با چالشی جدی روبه‌رو کرده است.

۲-۲. نظریه سرمایه اجتماعی

پیر بوردیو در نظریه سرمایه اجتماعی بر تأثیر رسانه‌ها در تقویت اعتماد عمومی، انسجام اجتماعی و افزایش مشارکت اجتماعی تأکید دارد. سرمایه اجتماعی در این نظریه به معنای مجموعه‌ای از منابع و پیوندهایی است که از طریق روابط اجتماعی و شبکه‌های ارتباطی به دست می‌آید و می‌تواند در سازمان‌دهی فعالیت‌های اجتماعی و تقویت همبستگی جمعی نقشی اساسی ایفا کند (جعفری‌نیا، ۱۳۸۹: ۱۶۹-۱۴۸). در این تحقیق، نقش شبکه‌های اجتماعی همچون ابزاری برای تقویت سرمایه اجتماعی مورد تحلیل قرار گرفته است. در بحران غزه «طوفان الاقصی»، این شبکه‌ها مانند بستری برای گسترش پیام‌ها، جذب حمایت‌های بین‌المللی و ایجاد ارتباطات جهانی عمل کرده‌اند. بدین ترتیب، دیپلماسی دیجیتال توانسته است از طریق تقویت سرمایه اجتماعی، قدرت نرم مردم فلسطین را افزایش دهد و انسجام بیشتری میان آنان ایجاد کند.

۲-۳. دیپلماسی دیجیتال

دیپلماسی یکی از ابزارهای اساسی در تحقق منافع ملی هر کشور است و از طریق آن می‌تواند تصویری از خود در سطح جهانی به نمایش بگذارد. دیپلماسی که فرایندی سیاسی به شمار می‌آید، طبق تعریف جی. آر. بریج، به فعالیت‌های سیاسی‌ای گفته می‌شود که بازیگران مختلف برای دستیابی به اهداف خود و دفاع از منافعشان انجام می‌دهند. در این راستا، دیپلماسی ذاتاً پویاست، چراکه با توجه به شیوه‌ای که هر بازیگر از آن استفاده می‌کند، همواره در حال تغییر و انطباق است (Berridge, 2010). دیپلماسی دیجیتال به مفهومی اشاره دارد که شامل استفاده از فناوری‌های دیجیتال و رسانه‌های اجتماعی در چهارچوب دیپلماسی بین‌المللی است. این مفهوم مجموعه‌ای از راهبردها و شیوه‌هایی را دربرمی‌گیرد که توسط کشورها و سازمان‌های بین‌المللی برای برقراری

ارتباط، همکاری و تأثیرگذاری بر افکار عمومی، چه در سطح داخلی و چه در عرصه جهانی، به کار گرفته می‌شود. در دنیایی که فناوری اطلاعات و ارتباطات به سرعت در حال پیشرفت است، دیپلماسی دیجیتال به ابزاری کلیدی برای مقابله با چالش‌های جهانی و تقویت روابط دوجانبه و چندجانبه میان کشورها تبدیل شده است (Setyadi & Sani, 2024).

دیپلماسی دیجیتال ویژگی‌های متعددی دارد که از میان آن‌ها سه مورد زیر را می‌توان متناسب با بحثی که در این نوشتار به آن پرداخته می‌شود، بیان کرد:

۱. فرامکانی و فرازمانی: «مقصود از این ویژگی آن است که برخلاف سایر مدل‌های دیپلماسی، دیپلماسی دیجیتال به زمان یا مکان خاص محدود نمی‌شود. این ویژگی باعث می‌شود مردم در سطحی جهانی به برقراری ارتباطاتی گسترده با یکدیگر بپردازد» (Green, 2022).

۲. عدم اتکا به دولت - ملت: «شبکه‌های اجتماعی این امکان را فراهم کرده‌اند که بازیگران غیردولتی نیز در دیپلماسی ایفای نقش کنند. این ابزارها به مردم اجازه می‌دهند بدون نیاز به ساختارهای رسمی دولتی، روایت‌ها و پیام‌های خود را مستقیم به جهان منتقل کنند» (فرهنگی و همکاران، ۱۳۹۳: ۹۴).

۳. رهبرسازی در شبکه‌های اجتماعی: «رسانه‌های اجتماعی بستری برای ظهور رهبران جدید فراهم کرده‌اند. این رهبران که غالباً از میان افراد عادی جامعه برخاسته‌اند، می‌توانند توجه رسانه‌ها و افکار عمومی جهانی را به خود جلب کنند» (کاستلز، ۱۳۹۳: ۲۱۸).

ترکیب نظریه جامعه شبکه‌ای کاستلز و نظریه سرمایه اجتماعی بورديو، چهارچوبی جامع برای درک نقش دیپلماسی دیجیتال در بحران‌هایی نظیر جنگ غزه فراهم می‌آورد. نظریه جامعه شبکه‌ای بر اهمیت شبکه‌های اجتماعی در تغییر روابط اجتماعی و ساختارهای قدرت تأکید دارد. در بحران‌هایی مانند جنگ غزه این نظریه نشان می‌دهد که چگونه مردم فلسطین با استفاده از شبکه‌های دیجیتال توانسته‌اند روایت‌های غالب رسانه‌ای را به چالش کشیده و فعالیت‌های خود را سازمان‌دهی کنند. از سوی دیگر، نظریه سرمایه اجتماعی بورديو نقش شبکه‌های دیجیتال را در تقویت اعتماد عمومی و همبستگی اجتماعی در سطح جهانی برجسته

می‌کند. این شبکه‌ها همچون ابزارهای مؤثری برای مشارکت عمومی و اعمال فشار بر دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی عمل کرده‌اند.

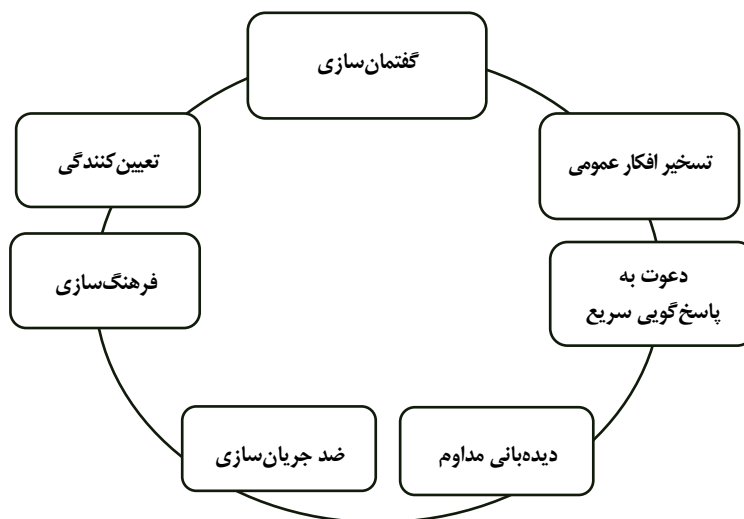
دیپلماسی دیجیتال با ویژگی‌هایی همچون فرامکانی و فرازمانی بودن، عدم وابستگی به دولت - ملت‌ها و امکان ایجاد رهبر در شبکه‌های اجتماعی، جایگاه ویژه‌ای در بحران‌هایی مانند جنگ غزه یافته است. این پژوهش به تحلیل نحوه استفاده مردم فلسطین از این ابزارها برای به چالش کشیدن قدرت نرم و سخت رژیم صهیونیستی و جلب همبستگی جهانی پرداخته و تلاش می‌کند چهارچوب نظری جامعی برای درک پتانسیل‌های دیپلماسی دیجیتال در پیشبرد اهداف سیاسی و اجتماعی ارائه دهد؛ از این رو، ترکیب این دو نظریه درک عمیق‌تری از نقش فناوری‌های دیجیتال در بازسازی روایت‌ها و ایجاد تغییرات اجتماعی و سیاسی در مناطق درگیری فراهم می‌آورد.

۴-۲. ظرفیت رسانه‌های نوین

ظرفیت رسانه‌ای به میزان اطلاعات و محتوایی که یک رسانه قادر به انتقال، ذخیره، پردازش و انتشار آن است گفته می‌شود. این ظرفیت می‌تواند به صورت فیزیکی - مثل فضای ذخیره‌سازی یا پهنای باند - یا به صورت اطلاعاتی - مثل تعداد کاربرانی که محتوا را مشاهده می‌کنند - مورد بررسی قرار گیرد. برای مثال، ظرفیت یک شبکه اجتماعی ممکن است بر اساس تعداد کاربران فعال، حجم داده‌های مشترک شده، سرعت انتقال داده و قابلیت انتشار محتوا تعیین شود. این ظرفیت می‌تواند تعیین‌کننده موفقیت یا شکست یک رسانه باشد، زیرا اگر ظرفیت کافی برای پشتیبانی از تقاضا و نیاز کاربران وجود نداشته باشد، ممکن است رسانه مورد علاقه کاربران جذب نشود یا محتوای آن به خوبی ارائه نشود.

ظرفیت‌های رسانه‌های نوین نیز با توجه به تحولاتی که در ادامه مطرح خواهد شد (با توجه به موضوع تحقیق)، تغییر جدی یافته است. در حقیقت، این ظرفیت به یک ظرفیت هیبریدی تبدیل شده است که عناصر و محورهای مختلفی را در خود جای می‌دهد. جهان آینده با این ظرفیت‌های جدید، تحولات گسترده‌ای خواهد یافت که با قرن‌های گذشته

به شدت متفاوت خواهد بود. نمودار شماره ۱ به اختصار مهم‌ترین ظرفیت‌های جدید رسانه‌های نوین را بیان می‌کند (بشیر، ۱۳۹۷: ۶۴).



نمودار شماره ۱. ظرفیت‌های رسانه‌های نوین (بشیر، ۱۳۹۷: ۶۴)

رسانه‌های نوین امروزه وعده اعطای حق مشارکت سیاسی جهانی را از طریق «دسترسی» به مردم می‌دهند؛ مفهومی که در آن پروژه‌های ظرفیت دموکراتیک در حال بازآفرینی و بازطراحی هستند (Coleman, 2010; Hansen, 2004) و شکاف‌های سیاسی و اقتصادی به تدریج به شکاف‌های دیجیتال تبدیل می‌شوند. تلاش‌های انسان‌دوستانه برای کاهش نابرابری‌های مزمن بین شمال و جنوب، در پروژه گسترش زیرساخت‌های فناوری دیجیتال در سراسر جهان، به امیدواری جدیدی تبدیل شده است. دسترسی به جدیدترین فناوری‌های رسانه‌ای معیاری برای تعیین اینکه فردی کنشگر در تاریخ است یا صرفاً تماشاگری بی‌صدا، در نظر گرفته می‌شود و بدین ترتیب مشخص می‌کند آیا کسی در حال زندگی در زمان حال است یا در گذشته (Mazzarella, 2010).

این مفهوم از رسانه‌های نوین به شدت با تصورات دموکراتیک لیبرالی پیوند خورده است و نقش ایدئولوژیکی ایفا می‌کند که عمیقاً تحت تأثیر مفاهیم جامعه مدنی و عرصه عمومی است. در حقیقت، تفاوت‌های استفاده از اصطلاحات «رسانه‌های اجتماعی» و «رسانه‌های نوین» بازتاب

تمایزهای بنیادینی است که میان این دو مفهوم وجود دارد. از یک سو، رسانه‌های اجتماعی مانند جامعه مدنی همچون فضایی برای مشارکت‌های اجتماعی خارج از محدوده قدرت دولتی شناخته می‌شوند؛ فضایی که به‌عنوان مکانی برای فعالیت و رهایی فردی ایدئال به نظر می‌رسد و در آن روابط اجتماعی و اقتصادی بدون محدودیت و نظارت انجام می‌شود. همان‌طور که در بازار سرمایه‌داری که این فضا از آن نشئت می‌گیرد، ارزش بر اساس شیوه‌های مبادله آزاد تعیین می‌شود. از سوی دیگر، رسانه‌های نوین عرصه‌ای را برای ایجاد یک فضای عمومی فراهم می‌آورند که در آن شهروندان می‌توانند بدون در نظر گرفتن شکاف‌های مالی و قدرت، با یکدیگر روبه‌رو شوند و از طریق کنش‌های خود در این فضا، آگاهی و تأثیر سیاسی‌شان را اعمال کنند. رسانه‌های نوین به مردم این امکان را می‌دهند تا مستقیم در نهادهایی که شرایط زندگی آن‌ها را شکل می‌دهند، مشارکت کنند و توانایی‌هایی را که رسانه‌های قدیمی نتوانسته‌اند به آن دست پیدا کنند، تحقق بخشند (Coleman, 2010; Aouragh, 2011).

۵-۲. نقش رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی فلسطین در دیپلماسی دیجیتال

استفاده از شبکه‌های اجتماعی توسط حماس نمونه بارزی از دیپلماسی دیجیتال و شبکه‌ای است. این گروه با بهره‌گیری از پلتفرم‌هایی همچون توئیتر، فیس‌بوک و یوتیوب توانسته پیام‌های خود را به‌صورت گسترده منتشر کرده و حمایت‌های بین‌المللی را جلب کند. این رویکرد هوشمندانه به حماس کمک کرده است تا نه تنها در سطح داخلی بلکه در عرصه بین‌المللی نیز تأثیرگذار باشد و اهداف خود را پیش ببرد (Al-Rawi, 2021). در عصر دیجیتال، رسانه‌های اجتماعی نقش حیاتی در دیپلماسی دیجیتال ایفا می‌کنند. پلتفرم‌هایی مانند فیس‌بوک، توئیتر، اینستاگرام و یوتیوب ابزارهای قدرتمند انتشار اطلاعات و ایجاد همبستگی بین‌المللی شناخته می‌شوند. مطالعات نشان داده‌اند رسانه‌های اجتماعی می‌توانند نقش مؤثری در جلب حمایت‌های بین‌المللی ایفا کنند. چنان‌که جوزف نای (Nye, 2004) اشاره کرده است، قدرت نرم و دیپلماسی عمومی می‌توانند از طریق رسانه‌های اجتماعی تقویت شوند.

پلتفرم‌های ویدئویی نیز در دیپلماسی دیجیتال جایگاه ویژه‌ای دارند. محتوای بصری مانند

ویدئوهای مستند و کلیپ‌های کوتاه، به دلیل قدرت احساسی و تأثیرگذاری بالا، توانسته‌اند مخاطبان جهانی را به خود جلب کرده و آگاهی عمومی را افزایش دهند. تحقیقات هانکوک و همکاران (Hancock & et.al., 2016) نشان می‌دهد ویدئوهای کوتاه در پلتفرم‌هایی مانند یوتیوب و فیس‌بوک می‌توانند به سرعت توجه جهانی را جلب کرده و حمایت‌های بین‌المللی را افزایش دهند. برای مثال، ویدئوهایی که وضعیت مردم غزه را به تصویر می‌کشند، تأثیر قابل توجهی بر نگرش‌های عمومی داشته و توجه بسیاری از مخاطبان جهانی را جلب کرده‌اند (Giddens, 2017). علاوه بر این، فلسطین خود گفتمانی جامع شناخته می‌شود؛ سرزمینی که نه تنها یک ملت و تاریخ، بلکه هویت و جامعه‌ای کامل را نمایندگی می‌کند. این گفتمان که به دلیل تحولات قرن بیستم و بیست‌ویکم شکل گرفته، تمامی آنچه را درباره فلسطین در طول تاریخ رخ داده است، تداعی می‌کند. فهم این گفتمان و گفتمان‌سازی پیرامون آن، از مهم‌ترین اقدامات برای ارتقای مسئله فلسطین در ذهن جامعه جهانی است.

رسانه‌ها، به‌ویژه رسانه‌های داخلی فلسطین، نقش کلیدی در تبیین این گفتمان ایفا می‌کنند. بازنگری در ظرفیت‌های رسانه‌های نوین و استفاده از رویکردهای فرهنگی برای سازگاری گفتمانی با جوامع مختلف، گام مهمی در جهت تقویت دیپلماسی دیجیتال فلسطین است. همان‌طور که بشیر (۱۳۹۷) اشاره کرده است، توجه به تفاوت‌های فرهنگی و استفاده از مفهوم «سازگاری گفتمانی» می‌تواند تأثیرگذاری رسانه‌ها را در گسترش آگاهی عمومی افزایش دهد؛ بنابراین، مسئله فلسطین فراتر از چالشی سیاسی یا اجتماعی، به گفتمانی جهانی تبدیل شده است که نیازمند رویکردهای فرهنگی و فهم‌محور در رسانه‌هاست. رسانه‌های نوین با تمرکز بر این رویکرد می‌توانند در ایجاد آگاهی و همبستگی بین‌المللی نقشی بی‌بدیل ایفا کنند.

۶-۲. اختلاف‌های داخلی فلسطین و تأثیر آن بر دیپلماسی دیجیتال

درگیری داخلی بین حماس و فتح به‌طور قابل توجهی بر دیپلماسی دیجیتال در فلسطین تأثیر می‌گذارد و روایت‌ها و ادراکات عمومی را در سیستم‌عامل‌های رسانه‌های اجتماعی شکل می‌دهد. این رقابت نه تنها بر چشم‌انداز سیاسی تأثیر می‌گذارد بلکه نحوه درگیر شدن هر جناح در دیپلماسی

دیجیتال را نیز تغییر می‌دهد و بر تصویر بین‌المللی و تلاش‌های ارتباطی آن‌ها تأثیر می‌گذارد. در ابتدا باید گفت که حماس، نام یک سازمان اسلام‌گرای سیاسی - نظامی فلسطینی است و دولت خودگردان یا جنبش فتح، سازمانی فلسطینی است که با عنوان جنبش آزادی‌بخش خلق فلسطین شناخته می‌شود. پس از توافقات یک‌جانبه برای تشکیل دو کشور مستقل، رژیم صهیونیستی و فلسطین، در توافقاتی اسلو و استقرار تشکیلات خودگردان در سرزمین‌های باقی‌مانده فلسطین، جنبش حماس توانست پس از پیروزی در انتخابات سراسری سال ۲۰۰۶ میلادی، به‌طور رسمی وارد صحنه سیاسی فلسطین شود و مجلس و دولت را در اختیار گیرد. در این انتخابات، حماس توانست رقیب جدی خود، یعنی جنبش فتح را پشت سر بگذارد (سبزیان موسی‌آبادی و مظفری، ۱۳۸۸: ۳۴). این پیروزی سبب ایجاد شکافی عمیق میان دو جنبش فتح و حماس شد که به شکل‌گیری استراتژی‌های متفاوتی انجامید. فتح در پی همکاری با نهادهای غربی است، درحالی‌که حماس اغلب سازمانی تروریستی شناخته می‌شود (Bartal, 2023). این وضعیت موجب تقسیم فلسطین به دو نهاد سیاسی مجزا با برنامه‌های متضاد شده است، به‌طوری‌که فتح کنترل کرانه باختری و حماس حکومت غزه را در دست دارند. این دوگانگی در حکمرانی مانع از شکل‌گیری یک حکمرانی و نمایندگی یکپارچه برای فلسطینیان شده است (Alamsyah & et.al., 2024).

اختلاف میان حماس به رهبری اسماعیل هنیه و جنبش فتح به رهبری محمود عباس درباره نحوه برخورد یا تعامل با رژیم صهیونیستی، امریکا و توافقات‌نامه‌های صلح، سبب ایجاد گسست و شکاف میان دو گروه بزرگ و تأثیرگذار سیاسی جامعه فلسطین شد. این اختلاف‌ها تا درگیری‌های مسلحانه و شورش‌های خیابانی نیز کشیده شد. هرچند با انعقاد «توافق مکه» اندکی آرامش حاکم شد، اما دامنه اختلاف‌ها بسیار وسیع بود. حمایت گسترده کشورهای محافظه‌کار عربی مانند مصر، اردن، عربستان سعودی، کشورهای اروپایی، امریکا و حتی رژیم صهیونیستی از محمود عباس و مخالفت با جنبش حماس، سبب تشدید اختلاف‌ها می‌شد و این امر امکان

بهره‌برداری به بهترین نحو را به تل‌آویو داد (سبزیان موسی‌آبادی و مظفری، ۱۳۸۸: ۳۴). در این راستا، هر گروه از رسانه‌های اجتماعی برای تبلیغ روایت‌های خود تلاش می‌کنند. حماس بر مقاومت در برابر اشغال اسرائیل تمرکز می‌کند و اغلب اقدامات خود را واکنش مشروع به ظلم تعریف می‌کند (Amer, 2024). پلتفرم‌های دیجیتال مانند میدان نبردی برای شکل‌دهی به ادراک‌های بین‌المللی عمل می‌کنند. حماس از توئیتر برای برجسته کردن روایت مقاومت خود استفاده می‌کند، درحالی‌که فتح تلاش می‌کند تصویر معتدل‌تری ارائه دهد. هر دو جناح از رسانه‌های اجتماعی برای تعامل با مخاطبان جهانی استفاده می‌کنند و با انتشار پیام‌های گردآوری‌شده و محتوای بصری، بر افکار عمومی و روابط دیپلماتیک تأثیر می‌گذارند (Yarchi, 2024)؛ با این حال، درگیری‌های داخلی ممکن است مانع از تلاش‌های مؤثر در دیپلماسی دیجیتال شود، زیرا رقابت میان روایت‌های جناح‌های مختلف می‌تواند سبب سردرگمی مخاطبان بین‌المللی شود و صدای فلسطینیان را در گفتمان جهانی تضعیف کند. این تفرقه‌افکنی، مسیر پیگیری یک استراتژی دیپلماتیک منسجم و هماهنگ را پیچیده و دشوار می‌سازد.

۷-۲. ارتباط تحولات رسانه‌ای با نقش دیپلماسی دیجیتال در جنگ غزه

عملیات «طوفان الاقصی» که در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ توسط حماس آغاز شد، نه تنها تأثیرات عمیقی بر میدان جنگ داشت، بلکه موجب تحولاتی در گفتمان رسانه‌ای و دیپلماسی دیجیتال پیرامون مناقشه اسرائیل و فلسطین شد. دیپلماسی دیجیتال، به‌ویژه از طریق رسانه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های آنلاین، توانسته است نقشی کلیدی در پیشبرد اهداف مردم فلسطین ایفا کند و روایت‌های مختلف از جنگ غزه را مدیریت و هدایت کند. این تحولات رسانه‌ای و نقش‌آفرینی‌های دیپلماسی دیجیتال به نقطه‌عطفی در نحوه درک جهانی این مناقشه تبدیل شده‌اند.

رسانه‌های بین‌المللی با توجه به رویکردهای سیاسی و جغرافیایی خود، روایت‌های متناقضی از مناقشه اسرائیل و فلسطین ارائه می‌دهند. الجزیره، با تمرکز بر دیدگاه فلسطینیان، مبارزه‌های آن‌ها را در برابر بی‌عدالتی به تصویر می‌کشد و بر جنبه‌های انسانی و مقاومت در

برابر اشغالگری تأکید دارد. در مقابل، رسانه‌های غربی نظیر واشینگتن‌پست و سی‌ان‌ان اغلب روایت‌هایی را بازتاب می‌دهند که از دریچه امنیت و نظم به موضوع می‌نگرند و حق اسرائیل برای دفاع از خود را برجسته می‌کنند. این تضادهای رسانه‌ای نه تنها بازتاب‌دهنده تفاوت‌های سیاسی و فرهنگی است، بلکه بر نحوه درک جهانی از این مناقشه تأثیر عمیقی می‌گذارد و فهم عمومی را از بحران پیچیده‌تر می‌سازد (Qasem & Hussien, 2018; Warshagha & et.al., 2024). در این راستا، هر دو رسانه الجزیره و واشینگتن‌پست از زبان عاطفی استفاده می‌کنند که نه تنها موجب تقویت تضادها و تفاوت‌های روایتی میان آن‌ها می‌شود، بلکه به جای ایجاد فضایی برای گفت‌وگوهای سازنده و آموزنده، احساسات عمومی را برانگیخته و باعث پیچیده‌تر شدن اختلاف‌های اجتماعی می‌شود (Warshagha & et. al., 2024).

در این میان، دیپلماسی دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی نقش کلیدی در تقویت یا تغییر این روایت‌ها ایفا کرده‌اند. از طریق این پلتفرم‌ها، فلسطینیان توانستند دیدگاه خود را به صورت گسترده‌ای در سطح جهانی منتشر کنند و روایت‌های انسانی و مقاومت خود را به تصویر بکشند. شبکه‌های اجتماعی نه تنها فضای جدیدی برای تبادل اطلاعات فراهم کرده‌اند، بلکه امکان پاسخگویی به روایت‌های متضاد رسانه‌های غربی را نیز فراهم ساخته‌اند؛ به ویژه در زمانی که رسانه‌های غربی تلاش دارند تهدیدها علیه اسرائیل را برجسته کنند. در تأیید این مطلب، به گزارش مشرق نیوز و به نقل از کانال تلگرامی شامات آمده است: عملیات «طوفان الاقصی» نشان داد رسانه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های دیجیتال چگونه می‌توانند بر روایت درگیری‌های نظامی تأثیرگذار باشند. از سوی حماس، رسانه‌های اجتماعی همچون ابزاری برای دور زدن رسانه‌های سنتی و انتقال مستقیم دیدگاه‌ها و تجربه‌های فلسطینی‌ها به کار گرفته شدند. حساب‌های کاربری در توئیتر و دیگر پلتفرم‌ها با اشتراک‌گذاری تصاویر و ویدئوهای زنده از صحنه نبرد، روایتی از مقاومت فلسطینی و ظلم تحت اشغال اسرائیل ارائه کردند که موجب برانگیختن همبستگی جهانی با فلسطین شد.

در مقابل، رژیم صهیونیستی تلاش کرد از رسانه‌های اجتماعی برای مدیریت روایت خود استفاده کند و اقدامات نظامی را به‌عنوان ضرورتی برای تأمین امنیت ملی توجیه کند؛ با این حال، سیل انبوه تصاویر منفی از غزه این تلاش‌ها را با چالش روبه‌رو کرد و به انتقاد داخلی و بین‌المللی منجر شد. همچنین شکست‌های اطلاعاتی اسرائیل به‌سرعت از طریق رسانه‌های اجتماعی منتشر شد و روایتی از آسیب‌پذیری و سردرگمی میان صفوف اسرائیلی‌ها ایجاد کرد که برتری نظامی اسرائیل را تضعیف ساخت. در مجموع، رسانه‌های اجتماعی نقش تحول‌آفرینی در شکل‌دهی به روایت‌های مختلف از این عملیات ایفا کردند؛ به‌ویژه از طریق ارتباط مستقیم، روزنامه‌نگاری شهروندی و انتشار سریع اطلاعات که تأثیر زیادی بر درک عمومی و گفتمان بین‌المللی در مورد این درگیری داشت.

در نهایت، عملیات «طوفان الاقصی» نشان‌دهنده قدرت رسانه‌های دیجیتال در پیشبرد اهداف انسانی و سیاسی در سطح جهانی است. این رسانه‌ها با استفاده از زبان‌های عاطفی و استراتژیک خود، به شکل قابل توجهی بر حمایت‌های بین‌المللی از مردم فلسطین افزودند و به همین دلیل دیپلماسی دیجیتال باید در تحلیل‌های آتی این بحران به‌طور جدی‌تر مورد توجه قرار گیرد.

۸-۲. کنشگری منطقه‌ای و حمایت از فلسطین

فعالیت‌های منطقه‌ای در یمن و حمایت از فلسطین به‌طور عمیقی در هم تنیده شده‌اند و منعکس‌کننده مضامینی گسترده‌تر از ضدیت با استعمار و مقاومت در برابر اقتدارگرایی هستند. در جهان عرب، به‌ویژه در یمن، کنشگری‌های مرتبط با فلسطین همچون بستری برجسته برای ابراز سیاسی عمل کرده و حس مسئولیت سیاسی و شهروندی را میان فعالان تقویت می‌کنند. این نوع فعالیت‌ها علاوه بر تمرکز بر مسائل فلسطینی، به نقد رژیم‌های اقتدارگرای محلی نیز می‌پردازند و تأثیرات عمیقی بر جامعه مدنی می‌گذارند (El Kurd, 2022). طوفان الاقصی نقطه‌عطف مهمی در مبارزه‌های مداوم فلسطینیان است که به‌طور عمیقی با تاریخچه حمایت یمن از مقاومت فلسطین

پیوند خورده است. این هم‌گرایی، پویایی در حال تحول سیاست‌های منطقه‌ای و نقش فزاینده کنشگری دیجیتال را برجسته می‌کند و نشان می‌دهد چگونه تعاملات محلی و بین‌المللی، روایت‌های مرتبط با مسجدالاقصی و مسائل گسترده‌تر فلسطین را شکل می‌دهند و تقویت می‌کنند. مشارکت یمن در درگیری‌های عربی - اسرائیلی نمایانگر تعهد گسترده‌تر منطقه‌ای به اهداف فلسطینی است؛ به‌ویژه در دوره‌های بحرانی مانند جنگ اکتبر (Al-Qousi, 2024).

علاوه بر یمن، ایران یکی از بازیگران اصلی منطقه‌ای است که با حمایت نظامی، مالی و دیپلماتیک از گروه‌های فلسطینی مانند حماس و جهاد اسلامی، نقش مهمی در تقویت مقاومت ایفا کرده است. ایدئولوژی انقلابی ایران به‌طور صریح وجود اسرائیل را رد کرده و بر حمایت از فلسطین همچون وظیفه‌ای مذهبی و سیاسی تأکید می‌کند.

در لبنان، حزب‌الله با تجربه‌های نظامی و سیاسی خود، همکاری نزدیکی با گروه‌های فلسطینی دارد و بارها بر ضرورت ایجاد جبهه متحد مقاومت تأکید کرده است. این گروه با بهره‌گیری از موقعیت استراتژیک خود در مرزهای شمالی فلسطین اشغالی، به یکی از مؤثرترین بازیگران غیردولتی در حمایت از فلسطین تبدیل شده است. کوهن (Cohen, 2016) در این رابطه بیان می‌دارد، حزب‌الله از یک نیروی مقاومت لبنانی به یک بازیگر غیردولتی مسلح منطقه‌ای تبدیل شده است و به‌طور فعال در درگیری‌های فراتر از لبنان، به‌ویژه در سوریه، مشارکت می‌کند. این تغییر به حزب‌الله امکان داده است تا از هویت فرقه‌ای خود بهره‌برداری کرده و توانمندی‌های نظامی و نفوذ منطقه‌ای‌اش را تقویت کند.

از سوی دیگر، کشورهایمانند قطر و ترکیه نقش‌های متفاوتی در حمایت از فلسطین ایفا می‌کنند. قطر با ارائه کمک‌های بشردوستانه و میزبانی از رهبران حماس، بستر دیپلماتیک مهمی برای مقاومت ایجاد کرده است. ترکیه نیز با اتخاذ مواضع قاطع در حمایت از مردم فلسطین، در عرصه دیپلماسی فعال است و تلاش کرده است تا از طریق سیاست خارجی خود بر افکار

عمومی جهان تأثیر بگذارد. این تنوع در کنشگری‌های منطقه‌ای، از یمن و ایران تا لبنان و قطر و البته سوریه تا پیش از سقوط دولت بشار اسد نشان‌دهنده چندگانگی رویکردها و استراتژی‌های موجود برای حمایت از فلسطین است؛ با این حال، این فعالیت‌ها با چالش‌هایی نیز همراه‌اند، از جمله فشارهای بین‌المللی، سرکوب از سوی رژیم‌های حاکم و تحولات سریع در چشم‌انداز ژئوپلیتیکی منطقه. برای موفقیت در تقویت مقاومت فلسطین، ضروری است این کنشگری‌ها در چهارچوبی هماهنگ و انعطاف‌پذیر قرار گیرند.

۹-۲. روش تحقیق

پژوهش حاضر با رویکرد کیفی انجام شده است که برای درک رفتارهای انسانی و بسترهای اجتماعی و فرهنگی طراحی شده است. هدف اصلی پژوهش کیفی درک عمیق پدیده‌ها از دیدگاه مشارکت‌کنندگان و در بستر نهادی و اجتماعی خاص آن‌هاست. این روش، برخلاف روش‌های کمی، بر تحلیل تجربه‌های انسانی در زمینه‌ای مشخص تأکید دارد و می‌تواند بر اساس رویکردهای اثبات‌گرایی، تفسیری یا انتقادی انجام شود (دانایی‌فرد و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۵-۱۴).

جامعه مشارکت‌کنندگان در این پژوهش شامل ده نفر از کارشناسان برجسته با مدارک تحصیلی در رشته‌های روابط بین‌الملل و علوم سیاسی، فعالان بین‌المللی در حوزه تبلیغ و آگاهی‌بخشی درباره مسئله فلسطین و کارکنان حرفه‌ای سازمان صداوسیما با تجربه گسترده در زمینه اطلاع‌رسانی و رسانه بودند. داده‌های پژوهش از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با این مشارکت‌کنندگان جمع‌آوری شد. انتخاب این ترکیب متنوع از مشارکت‌کنندگان با هدف دستیابی به دیدگاه‌های جامع و چندبعدی درباره نقش دیپلماسی دیجیتال در حمایت از مردم فلسطین در جنگ غزه صورت گرفت و غنای علمی و تحلیلی تحقیق را تقویت کرد.

تحلیل داده‌ها در این پژوهش با استفاده از تحلیل تماتیک (تحلیل مضمون) انجام شده است. این روش یکی از رایج‌ترین تکنیک‌های تحلیل داده‌های کیفی در علوم اجتماعی به شمار می‌رود. تحلیل

تم شامل شناسایی، تحلیل و گزارش الگوها (تم‌ها)ی موجود در داده‌هاست. این روش داده‌ها را در حداقل سطح سازمان‌دهی می‌کند و در سطح پیشرفته‌تر، به تفسیر جنبه‌های مختلف موضوع پژوهش می‌پردازد (Braun & Clarke, 2006: 79). در این راستا، مصاحبه‌گر با طرح پرسش‌هایی مرتبط، داده‌های تجربی را از مشارکت‌کنندگان استخراج می‌کند (Roulson, 2001: 280).

دربارۀ اعتبار و اعتماد به نتایج پژوهش، ازل بیبی در کتاب *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی* بیان می‌کند اعتبار به این معناست که ابزار تجربی به کاررفته تا چه اندازه توانسته است مفهوم مورد بررسی را دقیقاً اندازه‌گیری کند (بیبی، ۱۳۹۳: ۳۳۵). در این پژوهش، تمام مراحل تحقیق، از جمله طرح مسئله، نظریه‌پردازی، انتخاب مشارکت‌کنندگان و گردآوری داده‌ها، بر اساس اصول تحقیق کیفی انجام شده است. هدف اصلی، دستیابی به درکی عمیق از واقعیت موضوع پژوهش و ارائه نتایجی معتبر بود. برای افزایش اعتبار و اعتماد به نتایج پژوهش، یافته‌های اولیه و مضامین استخراج‌شده پس از تحلیل، توسط پژوهشگران همکار و متخصصان آشنا با موضوع بازبینی شدند. این بازبینی‌ها با هدف شناسایی و اصلاح هرگونه تفسیر نادرست یا برداشت جانب‌دارانه انجام گرفت. افزون بر این، تطبیق نتایج با مبانی نظری و ادبیات مرتبط، انسجام علمی و روایی پژوهش را تقویت کرد. این اقدامات، دقت و شفافیت تحقیق را بهبود بخشیده و اعتمادپذیری نتایج را تضمین کرد.

۳. یافته‌های تحقیق

استفاده از فناوری‌های دیجیتال در عرصه دیپلماسی امروزه به‌عنوان یک ابزار قدرتمند واقعیت‌پذیری و پیشبرد اهداف سیاسی و انسانی جوامع مختلف مطرح است. این تحقیق نقش دیپلماسی دیجیتال را در جنگ غزه و تأثیر آن بر زندگی مردم فلسطین بررسی می‌کند. یافته‌ها مبتنی بر تحلیل مصاحبه‌های انجام‌شده با کارشناسان است و مفاهیم و مؤلفه‌های به‌دست‌آمده در جدول شماره ۱ ارائه شده‌اند.

جدول شماره ۱. مؤلفه‌های دیپلماسی دیجیتال و تأثیر آن بر حمایت از مردم فلسطین

مضامین پایه (کد اولیه)	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
طراحی و پیاده‌سازی پلتفرم‌های بومی ارتقای ظرفیت‌های مقابله با محتوای ضد فلسطینی	ایجاد پلتفرم‌های بومی فلسطینی	توسعه زیرساخت‌های دیجیتال
پیاده‌سازی سیستم‌های امنیت سایبری آموزشی آگاهی‌بخشی امنیتی	تقویت امنیت دیجیتال	
ایجاد روابط همکاری با شرکت‌های بین‌المللی فناوری مشاوره برای تقویت زیرساخت‌ها	تقویت ظرفیت‌های فناورانه با شراکت‌های بین‌المللی	
ساخت شبکه‌های مقاوم در بحران‌ها افزایش دسترسی به اینترنت در مناطق محروم	توسعه شبکه‌های ارتباطی مقاوم	
گسترش فعالیت در پلتفرم‌های جهانی برگزاری کمپین‌های دیجیتال ایجاد رهبران دیجیتال	حضور فعال در رسانه‌های اجتماعی	تقویت شبکه‌های مقاومت دیجیتال
به‌کارگیری بلاک‌چین توسعه اپلیکیشن‌های اطلاع‌رسانی	استفاده از فناوری‌های نوین	
ایجاد وب‌سایت‌های خبری مقاومتی استفاده از فناوری‌های نوین برای راستی‌آزمایی اطلاعات	استفاده از فضای سایبری برای تقویت گروه‌های مقاومت	
تعاملات دیجیتال با نهادهای خارجی برگزاری کمپین‌های جلب حمایت همکاری‌های فراملی و غیردولتی	همکاری‌های بین‌المللی	
ضعف فناوری اطلاعات در مناطق فلسطینی محدودیت‌های سانسور جهانی	محدودیت‌های زیرساختی	ارتقای سواد رسانه‌ای و دیجیتال
اختلاف‌های سیاسی میان گروه‌های فلسطینی دوگانگی روایت‌ها	تنش‌های داخلی	
شناسایی و تحلیل الگوهای انتشار پروپاگاندا ایجاد پروتکل‌های شفاف و مقاومتی برای مقابله با اطلاعات مخرب	مقابله با پروپاگاندا	
آموزش مهارت‌های رسانه‌ای و مقابله با تهدیدهای سایبری برگزاری کارگاه‌های آموزشی	کمبود مهارت‌های دیجیتال	

مضامین پایه (کد اولیه)	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
بهبود زیرساخت‌های تحقیقاتی استانداردسازی استانداردهای تحقیقاتی	ارتقای ظرفیت‌های پژوهشی	بهبود شبکه‌های علمی مؤثر و پایدار
برنامه‌های تبادل علمی برگزاری کنفرانس‌های بین‌المللی	شبکه‌سازی علمی بین‌المللی	
تخصیص بورسیه‌های تحصیلی پشتیبانی از پروژه‌های مرتبط	حمایت از پژوهشگران و دانشجویان فلسطینی	
راه‌اندازی مراکز مشترک پروژه‌های پژوهشی مشترک همکاری‌های پژوهشی بین‌المللی	ایجاد مراکز تحقیقاتی مشترک بین‌المللی	
تولید محتوای تأثیرگذار دربارهٔ عملیات طوفان الاقصی جلب مشارکت کاربران در کمپین‌های دیجیتال مربوط به عملیات طوفان الاقصی فرامکانی و فرازمانی بودن رسانه‌های اجتماعی	استفاده از رسانه‌های اجتماعی	تأثیر دیپلماسی دیجیتال بر آگاهی عمومی
استفاده از روایت‌های شاهدان عینی از عملیات طوفان الاقصی تولید محتوای احساسی و مستند در رسانه‌ها	روایت‌های انسانی	
شبکه‌سازی رسانه‌های حامی ترویج اخبار مقاومتی	تقویت همکاری‌های رسانه‌های	
اجرای برنامه‌های آموزشی کمپین‌های اطلاع‌رسانی منطقه‌ای	آموزش و آگاهی‌بخشی	

۳-۱. توسعهٔ زیرساخت‌های دیجیتال

در سیاست بین‌الملل، توسعهٔ زیرساخت‌های دیجیتال عاملی کلیدی در قدرت نرم شناخته می‌شود. در مناقشهٔ فلسطین، ایجاد پلتفرم‌های بومی فلسطینی برای مقابله با روایت‌های متخاصم ضروری است. همچنین تقویت امنیت دیجیتال و توانمندی‌های فنی کاربران در مقابله با تهدیدهای سایبری اهمیت دارد. مشارکت‌های بین‌المللی و همکاری‌های فنی نیز راهی برای

انتقال دانش و تجربه‌های پیشرفته فراهم می‌آورد و توسعه شبکه‌های ارتباطی مقاوم که پایه‌ای برای فعالیت‌ها و دسترسی عادلانه به خدمات دیجیتال باشد، مدل جامع و پایداری را برای زیرساخت‌های دیجیتال تأمین می‌کند.

۲-۳. تقویت شبکه‌های مقاومت دیجیتال

در عصر انقلاب اطلاعات، رسانه‌های اجتماعی و فناوری‌های نوین مانند بلاک‌چین به ابزاری کلیدی برای شکل‌دهی به افکار عمومی و مقابله با روایت‌های متخاصم تبدیل شده‌اند. استفاده از فضای سایبری برای تقویت گروه‌های مقاومت، از طریق وب‌سایت‌های خبری مقاومتی و راستی‌آزمایی اطلاعات، انسجام و هماهنگی نیروهای مقاومت را تقویت می‌کند. همچنین کمپین‌های دیجیتال و همکاری‌های بین‌المللی شبکه‌ای جهانی از حامیان مقاومت ایجاد می‌کند. این اقدامات در یک ساختار منسجم، الگویی نوین از مقاومت دیجیتال را بر اساس قدرت نرم، شبکه‌سازی و فناوری‌های پیشرفته شکل می‌دهند.

۳-۳. ارتقای سواد رسانه‌ای و دیجیتال

در جامعه فلسطین، چالش‌های زیادی در مسیر ارتقای سواد رسانه‌ای و دیجیتال وجود دارد، از جمله ضعف زیرساخت‌های فناوری اطلاعات، محدودیت‌های دسترسی به اینترنت و سانسور جهانی. اختلاف‌های سیاسی میان گروه‌های فلسطینی و دوگانگی روایت‌ها نیز بر کیفیت اطلاع‌رسانی تأثیر منفی دارد. برای مقابله با این مشکلات، شناسایی الگوهای پروپاگاندا و ایجاد پروتکل‌های شفاف ضروری است. همچنین کمبود مهارت‌های دیجیتال باید از طریق آموزش‌های رسانه‌ای و برگزاری کارگاه‌ها برطرف شود. این آموزش‌ها باید بر مقابله با تهدیدهای سایبری و تقویت تحلیل محتوای رسانه‌ای تمرکز داشته باشند. همکاری نهادهای مدنی و آموزشی می‌تواند به توسعه برنامه‌های کاربردی کمک کند و تفکر انتقادی را در مواجهه با محتوای رسانه‌ای تقویت کند.

۴-۳. بهبود شبکه‌های علمی مؤثر و پایدار

بهبود شبکه‌های علمی مؤثر و پایدار در جامعه فلسطین نیازمند ارتقای ظرفیت‌های پژوهشی و بهبود زیرساخت‌های تحقیقاتی است. استانداردهای روش‌های پژوهشی و شبکه‌سازی علمی بین‌المللی از طریق برنامه‌های تبادل علمی و کنفرانس‌ها می‌تواند ارتباطات علمی را تقویت کند. حمایت از پژوهشگران فلسطینی از طریق بورسیه‌ها و پشتیبانی از پروژه‌های پژوهشی، نقش مهمی در توسعه این شبکه‌ها دارد. ایجاد مراکز تحقیقاتی مشترک و پروژه‌های پژوهشی بین‌المللی به تقویت همکاری‌های علمی بین‌المللی کمک می‌کند. تداوم این شبکه‌ها نیازمند همکاری نزدیک دانشگاه‌ها، مراکز پژوهشی و نهادهای بین‌المللی است تا ظرفیت‌های علمی فلسطین را توسعه دهد.

۵-۳. تأثیر دیپلماسی دیجیتال بر آگاهی عمومی

دیپلماسی دیجیتال در عصر کنونی با استفاده از رسانه‌های اجتماعی به ابزاری قدرتمند تبدیل شده است. رسانه‌های اجتماعی با ویژگی‌های فرامکانی و فرازمانی خود، امکان انتشار سریع اطلاعات و تولید محتوای تأثیرگذار درباره عملیات طوفان الاقصی را فراهم می‌آورند. مشارکت کاربران در کمپین‌های دیجیتال، استفاده از شهادت‌های شاهدان عینی و تولید محتوای احساسی و مستند تأثیر زیادی بر افکار عمومی دارد. شبکه‌سازی رسانه‌های حامی و ترویج اخبار مقاومتی به تقویت همکاری‌های رسانه‌ای و آگاهی‌بخشی جهانی کمک می‌کند.

نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش به روشنی نشان می‌دهد دیپلماسی دیجیتال نقشی کلیدی در حمایت از مردم فلسطین در جریان جنگ غزه و «طوفان الاقصی» ایفا کرده است. با استفاده از فناوری‌های نوین و شبکه‌های اجتماعی، فعالان فلسطینی توانسته‌اند روایت‌های انسانی و عاطفی خود را به‌طور گسترده در سطح جهانی منتشر کنند و توجه افکار عمومی و حمایت‌های بین‌المللی را جلب کنند. یافته‌های

حاصل از مصاحبه با کارشناسان و فعالان نشان می‌دهد ۸۰ درصد از شرکت‌کنندگان بر تأثیرگذاری روایت‌های انسانی از طریق پلتفرم‌های اجتماعی تأکید داشته‌اند. این روایت‌ها، با به چالش کشیدن روایت‌های غالب رسانه‌ای، توانسته‌اند همبستگی جهانی و فشار بر سیاست‌گذاران و سازمان‌های بین‌المللی را افزایش دهند. علاوه بر این، بیش از ۷۵ درصد مشارکت‌کنندگان بر ضرورت تقویت زیرساخت‌های دیجیتال برای بهبود عملکرد دیپلماسی دیجیتال در مناطق اشغال‌شده تأکید کرده‌اند. ضعف در این زمینه، یکی از مهم‌ترین چالش‌ها شناخته شده است.

در مقایسه با تحقیقات پیشین، پژوهش حاضر نشان داده است تأثیر دیپلماسی دیجیتال فراتر از آن چیزی است که قبلاً تصور می‌شد. برخلاف بسیاری از مطالعات که بر محدودیت‌های دیپلماسی دیجیتال در مناطق درگیر تأکید داشته‌اند، این تحقیق به‌طور تجربی نشان داد حتی در شرایط محدودیت شدید، روایت‌های انسانی می‌توانند فضای جدیدی را برای بسیج افکار عمومی و افزایش فشار بر نهادهای بین‌المللی ایجاد کنند. همچنین، برخلاف دیدگاه برخی تحقیقات که دیپلماسی دیجیتال را بیشتر ابزاری تاکتیکی می‌بینند، یافته‌های این پژوهش بر اهمیت راهبردی آن در گفتمان‌سازی و شکل‌دهی به مقاومت مردمی تأکید دارد. به‌علاوه، دیپلماسی دیجیتال با ارتقای سواد رسانه‌ای و دیجیتال، تقویت شبکه‌های مقاومت دیجیتال و بهبود شبکه‌های علمی پایدار، می‌تواند ظرفیت‌های جدیدی را برای سازمان‌دهی مقاومت فلسطینی‌ها و جلب حمایت‌های بین‌المللی فراهم کند. ویژگی‌های منحصر به فرد دیپلماسی دیجیتال، همچون فرازمانی و فرامکانی بودن، امکان رهبرسازی در شبکه‌های اجتماعی و قدرت در گفتمان‌سازی، به فعالان فلسطینی این فرصت را داده است تا به‌صورت مؤثرتری اهداف انسانی و سیاسی خود را دنبال کنند. به‌طور کلی، این پژوهش نشان می‌دهد دیپلماسی دیجیتال، فراتر از یک ابزار ارتباطی، به ابزاری استراتژیک برای پیشبرد اهداف انسانی و مقاومت در برابر قدرت نرم و سخت تبدیل شده است که تأثیرات آن نه تنها در افزایش آگاهی

عمومی، بلکه در تصمیم‌گیری‌های بین‌المللی نیز قابل مشاهده است و به همین دلیل، توجه جدی‌تر به این حوزه در تحقیقات و سیاست‌گذاری‌های آتی ضروری به نظر می‌رسد. پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی روبه‌رو بوده است. اول، دسترسی محدود به داده‌ها و تحلیل‌های میدانی در مناطق درگیر به دلیل مسائل امنیتی و سیاسی، امکان بررسی جزئیات را کاهش داده بود؛ دوم، وابستگی به منابع آنلاین و شبکه‌های اجتماعی ممکن است موجب سوگیری اطلاعات شود؛ سوم، انتخاب مشارکت‌کنندگان متخصص در چهارچوب جغرافیایی محدود، قابلیت انتقال نتایج را کاهش می‌دهد. این محدودیت‌ها ممکن است بر دقت یافته‌ها تأثیر بگذارند و نیاز به تحقیقات بیشتر با روش‌های ترکیبی و گسترده‌تر را ضروری می‌سازند.

پیشنهاد‌های کاربردی

۱. تقویت زیرساخت‌های دیجیتال: برای افزایش تأثیر دیپلماسی دیجیتال در مناطق بحران‌زده مانند غزه، تقویت زیرساخت‌های فناوری اطلاعات، فراهم‌سازی اینترنت پرسرعت و ایجاد پلتفرم‌های امن ضروری است. این اقدامات می‌توانند دسترسی به اطلاعات و بهره‌وری دیپلماسی دیجیتال را بهبود بخشند.

۲. آموزش استفاده از رسانه‌های دیجیتال: برگزاری برنامه‌های آموزشی برای فعالان رسانه‌ای و سیاست‌گذاران فلسطینی در زمینه تولید محتوا، استراتژی‌های ارتباطی و مقابله با سانسور، به بهبود گفتمان‌سازی و جلب حمایت‌های بین‌المللی کمک می‌کند.

۳. تقویت همبستگی بین‌المللی: راه‌اندازی کمپین‌های دیجیتال و شبکه‌های جهانی می‌تواند حمایت‌های بین‌المللی را از حقوق فلسطینی‌ها مانند «حق بازگشت» و «آزادی فلسطین» تقویت کند.

پیشنهاد‌های پژوهشی

۱. بررسی نقش دیپلماسی دیجیتال در بحران‌های انسانی: تحقیق درباره تأثیر پیام‌های دیجیتال در جلب حمایت‌های بین‌المللی و تقویت همبستگی جهانی در بحران‌هایی مانند جنگ غزه؛
۲. مطالعه تأثیر سانسور بر دیپلماسی دیجیتال: تحلیل محدودیت‌های دیجیتال و سانسور بر توانمندی دیپلماسی دیجیتال و استراتژی‌های مقابله با این محدودیت‌ها در مناطق بحران‌زده.

فهرست منابع

- امین فرد، احمد (۱۴۰۰). «راهبردهای ارتقای دیپلماسی دیجیتال جمهوری اسلامی ایران در دوران پساجام»، فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین، سال هفتم، شماره ۲۶، صص ۲۸-۱.
- بی، ارل. (۱۳۹۳). *روش‌های تحقیق در علوم انسانی*، ترجمه رضا فاضل. جلد اول و دوم. تهران: انتشارات سمت.
- بشیر، حسن (۱۳۹۷). «دیپلماسی گفتمانی فلسطین و ظرفیت‌های نوین رسانه‌ای»، فصلنامه گفتمان راهبردی فلسطین، سال اول، شماره نخست، تابستان ۱۳۹۷، صص ۷۷-۵۴.
- تقوی رضوانی، فاطمه؛ سلطانی‌فر، محمد؛ حسینی دانا، حمیدرضا؛ درزیان رستمی، حسن (۱۴۰۲). «دیپلماسی دیجیتال ابزاری برای توانمندسازی دولت‌ها: تدوین راهبرد برای جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه علمی - پژوهشی سیاست‌های راهبردی، دوره ۱۲، شماره ۴۷، صص ۲۶۸-۲۱۹.
- جعفری‌نیا، غلامرضا (۱۳۸۹). «رابطه استفاده از رسانه‌های جمعی با سرمایه اجتماعی سرپرستان خانوار در شهر خورموج»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال دهم، شماره ۳۸، صص ۱۶۹-۱۴۸.
- دانایی‌فرد، حسن؛ الوانی، سید مهدی؛ آذر، عادل (۱۳۸۶). *روش‌شناسی پژوهش کمی در مدیریت: رویکردی جامع*. انتشارات صفار، اشرافی.
- زمانیان، معصومه؛ شریفی، سید مهدی؛ شیخ‌الاسلامی، محمدحسن؛ نرگسیان، عباس (۱۴۰۱). «مطالعه تطبیقی دیپلماسی دیجیتال امریکا، بریتانیا، چین و روسیه»، پژوهش‌نامه رسانه بین‌الملل، سال هفتم، شماره اول، صص ۴۴-۱۱.
- سبزیان موسی‌آبادی، علیرضا؛ مظفری، هانیه (۱۳۸۸)، «اهداف و پیامدهای جنگ ۲۲ روزه رژیم صهیونیستی علیه غزه»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره دوم، نشر دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، صص ۵۶-۲۷.
- فرهنگی، علی‌اکبر؛ قرائتی، علیرضا؛ کربلایی حاجی اوغلی، حسن (۱۳۹۳). «دیپلماسی دیجیتال و روابط میان دولت‌ها در جوامع معاصر»، فصلنامه مطالعات رسانه‌ای، سال نهم، شماره بیست و چهارم، بهار ۱۳۹۳، صص ۹۹-۸۹.

کاستلز، مانوئل (۱۳۹۳). *قدرت ارتباطات*، ترجمه محمد آذری نجف‌آبادی، تهران: دفتر نشر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها.

مهدی‌زاده، سید مهدی، (۱۳۸۹). «نظریه‌های رسانه؛ اندیشه‌های رایج و دیدگاه‌های انتقادی»، چاپ اول، تهران: همشهری.

Alamsyah, A., Wijaya Muharam, A., & Puteri Ramadhani, D. (2024). "Polarized narratives in digital spaces: A social network examination of the Gaza conflict", *International Conference on Data Science and Its Applications (ICoDSA)*.

Almustafa, A. (2024). "Digital uprising: Palestinian activism in the cyber colonial era", *FWU Journal of Social Sciences*, Vol. 18, No.3, Fall.

Al-Qousi, D. S. S. A. (2024). "The role of the Palestinian resistance in invoking Yemeni military thought to strike Israeli strategies in the Southern Red Sea 1971-1973", *Journal of the Faculty of Education*.

Al-Rawi, H. (2021). "The Role of Social Networks in Hamas' Success." *Middle Eastern Studies Journal*.

Amer, M. (2024). "Critical multimodal discourse analysis: A case of a Palestinian movement". *An-Najah University Journal for Research*, B (Humanities), 38 (1), Article 7.

Aouragh, M. (2011). *Palestine Online: Transnationalism, the Internet and the Construction of Identity*. I. B. Tauris.

Bartal, S. (2023). "The internal war between Hamas vs. Fatah. Daxiyangguo", *Instituto Superior de Ciencias Sociais e Políticas*, 89-110.

Berridge, G. R. (2010). *Diplomacy: Theory and Practice*, (2nd ed). Palgrave.

Braun, Virginia; Clarke, Victoria. (2006). "Using thematic analysis in psychology", *Qualitative Research in Psychology*, No.3, pp. 77-101.

Cohen, D. (2016). *From resistance to regional involvement: Hezbollah's changing role amid the Syrian civil war*. Brandeis University.

Coleman, G. (2010). "Ethnographic Approaches to Digital Media", *Annual Review of Anthropology*, 39, pp. 487-505.

Eggeling, K. A. (2023). *Digital Diplomacy*. In Oxford Research Encyclopedia of International Studies.

El Kurd, D. (2022). "Gateway to dissent: The role of pro-Palestine activism in opposition to authoritarianism", *Democratization*, 29 (7), pp. 1230-1248.

Fasinu, E. S., Smith, J. D., & Johnson, M. R. (2024). "Digital diplomacy in the age of social media: Challenges and opportunities for crisis communication", *African Journal of Social Sciences and Humanities*, 7 (3), pp. 24-38.

Giddens, A. (2017). "The Role of Visual Media in Political Campaigns", *Global Media Journal*, Vol. 8, No. 1, Spring.

Green, J.A. (2022), "The Rise of Twiplomacy and the Making of Customary International Law on Social Media", *Chinese Journal of International Law*, 21(1), pp. 1-53.

Hancock, J., Smith, P., Turner, L., & Johnson, S. (2016). "The impact of short videos on public

- awareness and engagement”, *International Journal of Communication Studies*, 28 (4), pp. 215-230.
- Hansen, M. B. N. (2004). *New Philosophy for New Media*, Cambridge, MA: MIT Press.
- Mazzarella, W. (2010). “The Myth of the Multitude, or, Who’s Afraid of the Crowd?”. *Critical Inquiry*, 36 (4), pp. 697-727.
- Nye, J. (2004). *Soft Power: The Means to Success in World Politics*, PublicAffairs.
- Qasem, A., & Hussein, A. (2018). “Law and Order” vs. “Injustice and Defiance”: Al Jazeera and CNN framing of the 2017 Temple Mount/Al Aqsa Mosque crisis”, *Mediterranean Journal of Social Sciences*, 9 (1), pp. 25-34.
- Roulston, K. (2001). “Data analysis and ‘theorizing as ideology’”, *Qualitative Research*, 1 (3), pp. 279-302.
- Setyadi, Z. P., & Sani, A. (2024). “Analisis sistem diplomasi digital pada website Indonesia Youth Foundation dengan metode Importance Performance Analysis”, *Jurnal Publikasi Sistem Informasi dan Manajemen Bisnis (JUPSIM)*, 3 (1), pp. 147-155.
- Warshagha, A. Z., Ang, P. S., & Huan, C. (2024). “Comparative framing of the Palestinian-Israeli conflict in newspapers: An analysis of affect”, *GEMA Online Journal of Language Studies*, 24 (3), pp. 112-130.
- Yarchi, M. (2024). *Digital Diplomacy During Wars and Conflicts*, In Oxford University Press, pp. 619-636.